

دیگر بر هیچ صاحب خردی پوشیده نیست که حاکمان، ستون‌های اصلی استعمار در سرزمین ما هستند و اگر نبودند، امت می‌توانست دشمنانش را درهم بشکند، سرزمین خود را آزاد سازد و زیر سایه شریعت پروردگارش با عزت و کرامت زندگی کند. بار دیگر این دعوت را تکرار می‌کنیم: با ما هم‌قدم شوید تا امت را از بند خواری، فقر و ضعف‌رهایی بخشیم و خلافت راشده را بر منہاج نبوت برپا داریم؛ همان راهی که عزت و پیروزی ما در آن نهفته است.



در این شماره می‌خوانید:

سفر الیسی به امارات، مانوری در زمین استعمارگران و تأکیدی بر نبود حاکمیت مشروع است... ۲
 مساعدت‌های اروپایی به مصر، اسارت بیشتر به غرب و خیانت به مصر و امت است... ۲۰۰
 وقتی با اینکارهای سیاسی در آستانه‌های دموکراسی گدایی می‌شود... ۲
 آخرین تحولات درگیری نظامی در سودان... ۴۰
 جدل گسترده در کویت درباره «هویت ملی»... ۴۰

مقاله برگزیده

اداره جدید سوریه و عادی‌سازی روابط با رژیم یهود

استاد احمد الصورانی

از زمان بدست گرفتن اداره کشور توسط دولت جدید سوریه در پایان سال ۲۰۲۴ میلادی، آمریکا تلاش می‌کند این دولت را به تدریج به سمت عادی‌سازی روابط با رژیم یهود سوق دهد. احمد شریع در تاریخ ۱۶/۱۲/۲۰۲۴ به روزنامه تایمز اظهار داشت که دولتش به توافق ۱۹۷۴ با این رژیم پایبند است، توافقی که بر «آتش‌بس میان سوریه و اسرائیل» و تعیین حدود مناطق حائل میان طرف‌های متخاصم» تصریح می‌کند. درحالی‌که دولت سوریه بارها تأکید کرده است که سوریه‌ها هیچ رنگ‌نقشه آغاز حمله به رژیم یهود نخواهد بود. این موضوع هم‌زمان با نفوذ نیروهای این رژیم به جنوب سوریه و اشغال قلعه جبل النبیخ و تعدادی از شهرها و پست‌های ابدان قیصریه اتفاق افتاد که منطقه حائل نیز در آن ایجاد شده است تا از خامت اوضاع و احتمال حمله علیه خود جلوگیری شود.

اما تحول خطرناک در این موضوع، در دیدار شریع با ترامپ در ریاض در ۱۴/۵/۲۰۲۵ آشکار شد؛ دیداری که ترامپ در آن از او خواست تا به توافق‌نامه‌های عادی‌سازی ابراهیمی با رژیم یهود بیوندد. ترامپ نیز هنگام بازگشت در هواپیمای خود گفت شریع زمانه که درباره یونسیت به توافق‌نامه در نهایت امر سوال شد، پاسخ «بله» داد؛ چنان‌که این موضوع در ویدیویی کوتاه که در رسانه‌ها منتشر شد نیز مشاهده گردید. این توافق تنها یک توافق عادی‌سازی سیاسی نیست، بلکه به عادی‌سازی مردمی که همه اقدار جامعه را دربر می‌گیرد، توسعه می‌یابد؛ زیرا شامل به رسمیت شناختن این رژیم به‌عنوان جزئی مشروع و ساکن در سرزمین‌های مسلمانان و منح هر نوع رد (مشروعیت آن) یا تلاش برای ریشه‌کن کردن آن می‌شود و این موضوع از طریق رسانه‌ها و برنامه‌های آموزشی نهادینه می‌گردد، بدون هیچ توجهی به جنایات یهود علیه مسلمانان در فلسطین.

درحالی‌که دولت جدید سوریه تأکید می‌کند که مذاکرات غیرمستقیم است، خیرگزار رویترز در تاریخ ۲۷/۵/۲۰۲۵ به نقل از پنج منبع مطلع گزارش داد که رژیم یهود سوریه تماس‌های مستقیمی دارند و در هفته‌های اخیر چندین ملاقات رودرو با هدف آرام کردن تنش و جلوگیری از بروز درگیری در منطقه مرزی میان دو طرف داشته‌اند.

نویسنده و تاجر آمریکایی، جاناتان پاس که با شریع دیدار کرده است، اظهار کرد که سوریه و رژیم یهود دشمنان مشترکی دارند و می‌توانند نقشی اساسی در امنیت منطقه‌ای ایفا کنند.

هر گامی که مقدمه‌ای برای عادی‌سازی روابط با رژیم یهود باشد، شز بزرگی است که باید از آن برحذر بود و نسبت به پیامدهای آن هشدار داد؛ و این جنایتی ناخوشودنی است، پس چگونه است که این رژیم، غاصب سرزمین اسلامی است که باید از ریشه کنده شود. هیچ ملتی میان ما و آن وجود ندارد، بلکه جنگ است و چیزی جز جنگ و جهاد که الله سبحانه‌وتعالی به آن فرمان داده است، وجود ندارد. رژیم، غاصب سرزمین اسلامی است؛ «من اعتدی عَلَیْکُمْ فَأَعْتَدُوا عَلَیْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَیْکُمْ وَاتَّقُوا اللهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللهَ مَعُ الْمُتَّقِینَ» «پس هر که به شما تعدی کرد، همان‌گونه که به شما تعدی کرده، بر او تعدی کنید» و از الله پروا کنید و بداندید که الله با پرهیزگاران است. ...

پیام تبریک امیر حزب التحریر، عالم جلیل‌القدر، عطا بن خلیل ابو رسته، به عموم مسلمانان و به‌ویژه جوانان به مناسبت فرارسیدن عید قربان سال ۱۴۴۶ هجری قمری برابر با ۲۰۲۵ میلادی

به نام الله سبحانه‌وتعالی بخشنده مهربان سیاست و ستایش از آن الله سبحانه‌وتعالی است و درود و سلام بر رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم و خاندان و یاران او و آنان‌که راه او را پی گرفتند، اما بعد... اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَیْهِمُ الْبَرَکَاتِ الْکَثِیْرَةَ اِنَّ اللهَ یُحِبُّ الْعِبَادَ الَّذِیْنَ یُحِبُّوْنَ اللهَ... اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَیْهِمُ الْبَرَکَاتِ الْکَثِیْرَةَ اِنَّ اللهَ یُحِبُّ الْعِبَادَ الَّذِیْنَ یُحِبُّوْنَ اللهَ... بهترین امتی که برای مردم پدیدار شده‌اند؛ امر به‌معروف و نهی‌منکر می‌کنند و به الله سبحانه‌وتعالی عزیز و حکیم ایمان دارند... به حاملان دعوت به‌طور خاص... کسانی‌که الله سبحانه‌وتعالی به دست آن‌ها گشایش و نصرت می‌دهد و آنان را با پاریش تأیید می‌کند تا دولت اسلام یعنی خلافت راشده بر منہج نبوت را برپا کنند... به بازدیدکنندگان گرامی این صفحه که به‌وسیله خبری که در آن نهفته است روی آورده‌اند... کسانی‌که نهایت تلاش خود را برای شناخت حق و حمایت از اهل آن می‌کنند... به همه‌ی این عزیزان... سلام و رحمت و برکات الله سبحانه‌وتعالی بر شما باد. فرارسیدن عید قربان ۱۴۴۶ هجری را به شما تبریک می‌گویم و از الله سبحانه‌وتعالی مسئلت دارم که این عید، تبریک برای خیروبرکت برای همه مسلمانان باشد.

برادران گرامی... این عید در حالی فرامی‌رسد که تجاوز رژیم یهود با حمایت آمریکا و تسلیحات همچنان بر غزه و سرزمین فلسطین ادامه دارد.

و حاکمان کشورهای اسلامی نظاره‌گر آنچه می‌گذرد هستند، شیدا را می‌شمارند و آنان را شگفته می‌نامند؛ بهترین آنان کسی است که نقش ماینجی را بازی می‌کند، گوئی بی‌طرف است اما در واقع به یهود نزدیک‌تر است!

جای تعجب ندارد که کفار استعمارگر و مستنشدن‌دهی آنان، رژیم یهود، به ما حمله کنند، چراکه آنان دشمن اسلام و مسلمانان هستند، ده‌هفتاد سوز بلکه از سال‌های دور.

جای تعجب نیز ندارد که کفار استعمارگر، با تکیه بر قانون بین‌المللی، بتوانند به سرزمین‌های مسلمانان حمله کنند، چراکه این قانون اساساً علیه مسلمانان و دولت‌آن‌ها (دولت عثمانی) پایه‌گذاری شد؛ از زمان مفاهمه و ستفالی در سال ۱۶۴۸ میلادی که بعدها به جامعه ملل و سپس سازمان ملل متحد تبدیل شد.

همی این‌ها تعجب‌آور نیست؛ اما آنچه واقعاً ما به شگفتی

اروپایی‌ها با زبانشان ما را راضی می‌کنند، اما دل‌ها و دست‌هایشان جز حمایت از یهود را نمی‌پذیرد

مهندس باهر صالح



بی‌تردید، محته بین‌المللی دکرونگ‌های بزرگی را در رابطه با یکار عمومی جهانی نسبت به جنگ یهود علیه نوار غزه شاهد بود است، چراکه ماه‌های طوانی این جنگ که تا اکنون بیش از بیست ماه ادامه یافته، با آنچه از وحشی‌گری و جنایت بی‌سابقه در آن پدیدار شد که اشغالگران را با رشت‌ترین شکل‌ها نسبت به کودکان، زنان، ساخوردگان، ساختمان‌ها، بیمارستان‌ها، مراکز پناهنده‌گی، مدارس و تمام مظاهر زندگی انسانی می‌کارد، بست، همه پرده‌ها را درید و روایت یهود و مظلوم‌نمایی را که دشمنان و سران غرب همواره نزد ملت‌هایشان تبلیغ می‌کردند، به زیر کشید.

دیگر پوشاندنش ممکن نبود. این بیشتر در نسل‌های نو و جوانان، به‌ویژه در آمریکا، نمود یافت تا در ساخوردگان. در آغاز، جوامع غربی میان موافق و مخالف تقسیم شدند، با وجود آن‌که تمام سران غرب در کنار رژیم یهود ایستاده بودند؛ اما خیلی زود که مخالفان بر موافقان چریب و موافقان و سیاستمداران هدف انتقاد و حمله‌های افغان و فعالان قرار گرفتند. در اجلاس‌های سیاسی، سخنران‌های دانشگاهی، دیدارهای عمومی و حتی در اجلاس‌های پارلیامانی و نمایشگاهی، چنان‌که در شرکت آمریکایی میکروسافت روی داد.

سران‌های گوناگون الکترونیک نیز در این روند نقش بزرگی ایفا کردند و بسیاری تأثیرگذار بودند، چراکه این رسانه تصویر و غیبی در برابر هرکسی که از یهود در تجاوزشان به غزه و مردم مستضعف آن حمایت می‌کرد، برخاستند. حتی تلاش سران غرب برای پیوند دادن این نزاع به اسلام و اسلام‌هراسی نیز کاری از پیش نبرد، زیرا جنایت‌ها و وحشی‌گری‌ها به حدی رسید که

دیگر پوشاندنش ممکن نبود. این بیشتر در نسل‌های نو و جوانان، به‌ویژه در آمریکا، نمود یافت تا در ساخوردگان. در آغاز، جوامع غربی میان موافق و مخالف تقسیم شدند، با وجود آن‌که تمام سران غرب در کنار رژیم یهود ایستاده بودند؛ اما خیلی زود که مخالفان بر موافقان چریب و موافقان و سیاستمداران هدف انتقاد و حمله‌های افغان و فعالان قرار گرفتند. در اجلاس‌های سیاسی، سخنران‌های دانشگاهی، دیدارهای عمومی و حتی در اجلاس‌های پارلیامانی و نمایشگاهی، چنان‌که در شرکت آمریکایی میکروسافت روی داد.

سران‌های گوناگون الکترونیک نیز در این روند نقش بزرگی ایفا کردند و بسیاری تأثیرگذار بودند، چراکه این رسانه تصویر و غیبی در برابر هرکسی که از یهود در تجاوزشان به غزه و مردم مستضعف آن حمایت می‌کرد، برخاستند. حتی تلاش سران غرب برای پیوند دادن این نزاع به اسلام و اسلام‌هراسی نیز کاری از پیش نبرد، زیرا جنایت‌ها و وحشی‌گری‌ها به حدی رسید که

شما چه کار کرده‌اید برای خواهرانتان در سودان؟

سازمان پزشکان بدون مرز هشدار داد که زنان و دختران در منطقه دارفور سودان به‌طور تقریباً مستمر در معرض خطر خشونت جنسی هستند و همچنان تعیین اندازه واقعی این بحران دشوار است، زیرا خدمات همچنان محدود است و مردم برای درخواست درمان یا سخن گفتن از محنت خود با موانعی مواجه‌اند؛ اما همه نجات‌یافتگانی که با گروه‌های پزشکان بدون مرز در دارفور و از سوی مرز در چاد گفتگو کردند، داستان‌های وحشتناکی مبنی بر خشونت وحشیانه و تجاوز نقل کردند و درحالی‌که مردان و پسران نیز در معرض خطر قرار دارند، میزان رنج بیش‌ازحد توصیف است.

بر این اساس، بیانیه مطبوعاتی بخش زنان در دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب‌التحریر گفت: درگیری که از آوریل ۲۰۲۳ میان ارتش نظامی سودان و نیروهای واکنش سریع آغاز شد، به شگفته شدن ده‌ها هزار نفر و آوارگی سیزده میلیون نفر و رها شدن زیرساخت‌های شگننده کشور در وضعیت ویران منجر شد. نیروهای واکنش سریع از ابتدای جنگ به اعمال خشونت جنسی و تجاوز در سراسر کشور منتهم شده‌اند که بسیاری آن را به اندازه‌های گسترده و وحشتناک شد که بسیاری آن را سرزشتی گریزناپذیر دانستند. به‌طوری‌که دختران و زنان در هیچ مکانی احساس امنیت نمی‌کنند؛ آنان در خانه‌هایشان، هنگام فرار از خشونت، هنگام تهیه غذا، جمع‌آوری هیزم و کار در مزارع مورد حمله قرار می‌گیرند.

سازمان پزشکان بدون مرز اعلام کرد که بین ژانویه ۲۰۲۴ و مارس ۲۰۲۵، ۶۹۹ نفر از نجات‌یافتگان خشونت را در جنوب دارفور درمان کرده است که ۹۴ درصد آنان زنان و دختران بودند. بیش از نیمی از آنان هدف حمله نجات‌یافته را درمان کرده است که تقریباً نیمی از آنان کودک بودند. در منطقه وادی فیرا، ۹۴ نجات‌یافته تحت درمان قرار گرفتند که ۸۱ نفر از آن‌ها زیر هجده سال بودند.

بیانیه خطاب به افسران و سربازان ارتش ادامه داد و گفت: شما به نبرد رزشتی ادامه می‌دهید که برای ستگین آن را مردم، از جمله زنان و کودکان، به خاطر منافع آمریکا و اروپا که به دنبال تسلط بر سودان و کنترل ثروت‌ها و سرزشت مردم آن هستند، می‌پردازند، حتی اگر این امر به تقسیم کشور به مناطق از نفوذ منجر شود که گمان می‌کنید برای شما خواهد بود. پس از گمراهی و ضلالت‌های بازگردید، شاید مورد رحمت قرار گیرید.

بیانیه مطبوعاتی بیان می‌کند: این تنها قطره‌ای از دریای رنج‌هایی است که از زمان آغاز این درگیری خونین که وارد تونلی تاریک از خشونت و آرگی و فروپاشی اقتصادی و اجتماعی شده‌اید، تجربه می‌کنید و آثار فاجعه‌بار آن را می‌بینید... این درگیری که استعمار موزم‌وع را در هدایت می‌کند، پس چرا برای توقف آن و رهایی از توطئه‌گران و ریشه‌کن کردن آن با باطن و باقی‌ن حکم مسلمانان، فرمانده شجاعی که از باطل نبراسد، با آن سازش نکند و به دنبال منصب یا قدرت نباشد، بلکه بخواجه شریعت الله سبحانه‌وتعالی و روش او جل جلاله را حاکم کند، تلاش نمی‌کنید؛ این همان چیزی است که مردم و امت را گرد هم می‌آورد؛ «وَأَنْ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ» «و بی‌گمان این امت شما، امتی یگانه است و من پروردگار شما هستم، پس از من پروا کنید».

بیانیه مطبوعاتی پایان یافت: این تحقق خواهد یافت مگر با کار جدی برای برپایی اسلام راشده دوم بر منہج نبوت که چیزی را اصلاح می‌کند و حقوق را به محابش و ثروت را به افشش بازمی‌گرداند تا سودان همچون گذشته سرحد غلظی مسلمانان و در دسترس مردم دولت نیرومند اسلام باشد.

سفر الیسیبی به امارات، مانوری در زمین استعمارگران و تأکیدی بر نبود حاکمیت مشروع است

استاد سعید فضل



سفر الیسیبی به ابوقبی در روز چهارشنبه ۴ ژوئن ۲۰۲۵، صرفاً یک حرکت دیپلماتیک فوری نبود، بلکه در چارچوب رقابت شدید میان عوامل استعمارگران که بر سر نفوذ در منطقه کشمکش دارند و از نظام‌های وابسته خود برای اجرای نقشه‌هایشان بهره می‌برند، انجام شد. این سفر ناگهانی که از پیش اعلام نشده بود، پاسخی مستقیم به سفر وزیر خارجه ایران، عباس عراقچی، به قاهره بود؛ صحنه‌ای که میزان افشای نظام‌های موجود و وابستگی کامل آن‌ها به قدرت‌های استعمارگر غربی را نشان می‌دهد.

امارات، عامل وفادار بریتانیا در خلیج فارس که سیاست‌هایی پیشرفته را در یمن و لیبی و سودان و شام، آفریقا در خدمت بریتانیا اجرا می‌کند، گاهی به صورت فرعی طبق سیاست‌های آمریکا حرکت می‌کند، اما همچنان ابزار برتر بریتانیا در خاورمیانه برای مقابله با طرفداران آمریکا به‌ویژه عربستان، ترکیه و مصر باقی‌مانده است.

سفر الیسیبی به امارات با هدفی دوگانه انجام شد: نخست، اطمینان دادن به ارباب زبده مینی بر این‌که قاهره قصد انزاد در گشایش‌های همسوی تهران زیاده‌روی نکند؛ دوم، تجدید پیوند سیاسی با امارات که همچنان ریسمان مالی است که به نظامی مصر غیرمعمول کاهش کمک‌ها از آن ارتزاق می‌کند. اما پشت این اهداف ظاهری، واقعیت عمیق‌تری نهفته است: نظام مصر، با وجود وابستگی به آمریکا، گاهی برای آرام‌سازی فضا با امارات حرکت می‌کند و الیسیبی جز با چراغ سبز آمریکا نمی‌توانست چنین سفری انجام دهد که این نشان‌دهنده آن است که آمریکا با باز بودن خطوط ارتباطی میان عوامل خود و عوامل بریتانیا مخالفت ندارد. مادامی‌که این امر به تثبیت نفوذش در مصر و منطقه خدمت کند.

برای روشن‌تر شدن موضوع، ایران نه دشمن واقعی آمریکا است، نه امارات و نه مصر، بلکه ابزار است در دست آمریکا برای مشغول کردن منطقه، تضعیف آن و بازسازی نقشه‌های سیاسی و فرقه‌های آن. استسحاق نظام مصر از عباس عراقچی به منهای چرخش علیه آمریکا با نزدیکی واقعی به مصر به‌اصطلاح «مقاومت» نیست، بلکه اقدامی حسابشده در چارچوب مدیریت نفوذ آمریکا در منطقه است، و به‌ویژه پس از پیشرفت در عادی‌سازی فلسطین و گشایش اقتصادی، جایی که آمریکا به‌دنبال کاهش تنش با ایران است، خصوصاً با توجه به درگیری‌های در آسیا و چین و روسیه.

پایین‌حال، بریتانیا از این روند راضی نیست و تلاش می‌کند عوامل خود را کنترل کند و از باز شدن پیش‌ازحد آن‌ها به‌سوی ایران خارج از چارچوب تعیین‌شده جلوگیری نماید. بی‌تدریج این امر دلیل سفر فوری و مذاکرات صورت‌گرفته برای تأکید بر مداوم هماهنگی و جلوگیری از هرگونه اقدام احتمالی است که نفوذ بریتانیا را در موضوع سودان، دریای سرخ یا لیبی که امارات به‌طور مؤثر بر آن بریتانیا اداره می‌کند، تضعیف کند.

آنچه در جریان است، به‌اصطلاح، نزاع نفوذ میان آمریکا و بریتانیا با ابزارهای محلی در میدان‌های امت است. امارات به دلیل پیوند تاریخی و ساختاری با بریتانیا می‌کوشد جوی کشمکش نفوذ آمریکا در منطقه را بگیرد و تلاش دارد بخش‌هایی از نفوذ آن سرافراز بریتانیا را که به سود آمریکا است دست رفته بود، بازپس گیرد. الیسیبی که مرد آمریکا است، گاهی از طریق روابط پیچیده‌اش با امارات و عربستان و حتی روسیه و چین، مانور می‌دهد؛ اما این نیز در چارچوب برنامه‌های آمریکا و آنچه به منافع پروژه‌هایش خدمت می‌کند، صورت می‌گیرد. واقعیتی که امروز مشاهده می‌کنیم، سفرها، انتظاف‌ها، تجدیدها، امتیازدهی‌ها هیچ ارتباطی با حکم شرعی یا اجرای اسلام ندارد، بلکه کاملاً غرق شدن در باطن سیاست استعماری است که فقط قدرت و منفعت می‌شناسد و امت اسلامی را جز

چه وقتی اهل یمن از ریختن خون بکدیگر در خدمت به آمریکا و بریتانیا دست می‌کشند؟!

استاد محمود الیثی

وبسایت «الامناء» مستقر در عدن، روز پنج‌شنبه ۵ ژوئن جاری خبری با عنوان «بیانیه کمیته امنیتی استان مارب» منتشر کرد که در آن آمده است: «کمیته امنیتی استان مارب روز چهارشنبه اعلام کرد که عناصر قانون‌شکن در همان روز اقدامات خرابکارانه‌ای انجام داده و جاده بین‌المللی مارب-حرفومت در منطقه الوادی در شرق استان را قطع کردند».

عناصری که در این بیانیه ذکر شده‌اند، گروه‌های قبیله‌ای از قبیله «عبیده» در منطقه وادی عبیده هستند که «سلطان عبیده» استاندار مارب و عضو شورای ریاست‌جمهوری هشت‌تفره به آن وابسته است. این گروه‌ها به رهبری عبدالله سعید بن جلال فعالیت دارند که از سوی کمیته امنیتی به‌عنوان وابسته به حوثی‌های متعاضد، معرفی شده است.

درگیری‌ها بین قبایل عبیده و ارتش، چهارشنبه



۴ ژوئن آغاز شد؛ زمانی که ایست‌بازرسی‌های نظامی وابسته به نیروهای ائتلاف، کامیون‌هایی را که سنگ مرمر از کوه «الحجیلی» در منطقه «التنیه» در «صافر» در وادی عبیده حمل می‌کردند توقیف کردند. در واکنش، گروه‌های قبیله‌ای عبیده به آن‌ها حمله کردند. شایان ذکر است که در منطقه «التنیه» ذخایر آهن و سایر مواد معدنی نیز وجود دارد.

در این درگیری‌ها که از سلاح‌های نیمه‌مستگین، سنگین و پپاداری مسلح استفاده شد، یک میانجی‌گری قبیله‌ای که توسط شیوخ قبیله جهم و سایر قبایل مارب رهبری شد، موفق شد ظفر هر روز (۴ ژوئن) درگیری را متوقف، جاده را باز و امنیت را بازگرداند. این درگیری‌ها یک کشته از نیروهای ویژه ائتلاف به رهبری ریاض، یعنی فرمانده برجسته «عبدالحق الشیخ» و بیش از ۳۰۰ مجروح از هر دو طرف بر جای گذاشت و باعث قطع برق در شهر مارب شد.

این درگیری‌ها چیزی جز یکی دیگر از سلسله درگیری‌های تکراری در استان مارب نیستند که هر از گاهی در داخل قبیله عبیده یا بین این قبیله و نهادهای حکومتی کشور رخ می‌دهند. تفاوت این بار در این است که کوه الحجیلی در منطقه التنیه دارای ذخایر معدنی است که هنوز نوع آن‌ها مشخص نشده و شاید برخی قبایل در انحصار آن‌ها و فحاق به خارج استان از طریق بندر «بئر علی» و دیگر بنادر استان شیوه در مجاورت مارب دست داشته‌اند. ابتدا باید ماهیت این منابع مشخص شود تا حکم شرعی دربرای آن‌ها صادر گردد؛ آیا این منابع از مالکیت خصوصی هستند یا مالکیت عمومی؟ اگر عمومی باشند، استفاده از آن‌ها برای مردم مجاز است اما ملک آن‌ها جز نیست؛ چه توسط اشخاص و چه توسط شرکت‌ها، چه داخلی و چه خارجی.

استان مارب که غنی از نفت و هم‌مرز با نجد و حجاز است، همچنان محل طمع قدرتهای جهانی متخاصم در یمن است. سفیر آمریکا در یمن، «ماتئو تولر»، بارها از شهر جده هم‌مرز این استان سفر کرده و با استاندار سلطان العراده دیدار داشته است. حوثی‌ها که از مارب بیرون رانده شدند اما هنوز بخش‌های بزرگی از استان را در کنترل دارند، به دنبال بازپس‌گیری مناطق نفتخیز تحت کنترل «العلیمی» و شورای امنیت، هستند. قرار تحت کنترل «شرعیات العلیمی» و شورای او، مارب گرفت و در برابر آن، شهر «الحدیده» به حوثی‌ها سپرده شد.

در سال ۲۰۱۸، نیروهای طارق (نیروهای تحت حمایت امارات) از یورد به الحدیده متعاضد شدند و به عقب‌نشینی مجبور شدند. سپس توافق

ای مسلمانان! آیا وقت آن نرسیده که حقیقت حاکمان خود را درک کنید؟!

هم‌اکنون مردم امت اسلامی وقت آن رسیده است که بدانند همیشه پس از آن دولت‌های استعماری کافر که او را با اسباب قتل و ویرانی و نابودی یاری می‌کنند، بلکه معیبت امت در همین حاکمان خادان است، کسانی که نه جدی متجاوز را می‌گیرند، نه دست چپ‌اولگر را پس می‌زنند، بلکه با دشمنان امت هم‌مسند هستند و امت را از انجام وظیفه دفاع بازمی‌دارند و برای رژیم بی‌پروند جنایتکار حمایت و پوشش جنایت‌ها را فراهم می‌کنند و با او قراردادهای صلح و عادی‌سازی می‌بندند و اسباب حیات برایش فراهم می‌کنند و حتی تجهیزات نظامی در اختیارش می‌گذارند تا فرزندان امت را در غزه و کرانه باختری و سایر مناطق بکشد. تجاوزات رژیم بی‌پروند تعریف‌شده از فلسطین فراتر رفته و به لبنان و سوریه و ایران و یمن رسیده است و دستگاه نظامی‌اش آزادانه در سرزمین‌های مسلمانان می‌تازد، بدون این‌که هیچ‌یک از این حاکمان خادان کوچک‌ترین اعتراضی کنند، چه رسد به اینکه کسی جلوی تجاوزات او را بگیرد! باین همه، می‌بینیم که حقیقت‌های خود را زیر سایه سلاح او به راه‌ماله می‌فرستند تا او به دنبال صلح باشد!

دیگر کار از حد گذشته و کاسه میبر لبریز شده است و اکنون ای مسلمانان! وقت آن است که حقیقت حاکمان خود را دریابید، آنان را همانند هسته خرما کنار بکنید و همانند کفش از پا به در آورید و امور سرزمین‌های خود را به مسیر صحیح بازگردانید و زمام رهبری را به آگاهان مخلص از فرزندان خود، یعنی حزب‌التحریر، بسپارید؛ حزبی که همواره در پی آن بوده تا دست‌ها را از یمن بردارد و یمن را از دست‌های بی‌پروند متعاضد سازد و شما را قضا برای دفع تجاوز بی‌پروند رهبری نکند، بلکه برای پاکسازی سرزمین مبارک از آنان و تبدیل رژیم‌ها به خاطرهای از گذشته هدایت کند.

ادامه: اروپایی‌ها با زیانان ما را راضی نمی‌کنند، اما دل‌ها و دست‌هایشان جز حمایت از یهود را نمی‌بندد

این وضعیت و تحولات بسیار دیگر، همچون طولانی‌شدن جنگ که نزدیک به دو سال ادامه یافته، درحالی‌که انتظار می‌رفت تنها چند ماه به طول انجامد و ظهور پل‌ها و مسال‌ جدیدی در برابر سران غرب، مانند پیشرفت چین، پایداری روسیه در جنگ با اوکراین و جنگ تعرفه‌های گمرکی‌ها که رئیس‌جمهور آمریکا، ترامپ، آغاز کرده بود، همگی به فشاری فرابنده بر غرب و رهبران‌ش برای پایان‌دادن به این جنگ تبدیل‌شده‌اند. برای حمایت از جنگ کرد و آن را وحشیانه توصیف نمود و پس از او، اظهارات اروپایی‌ها یکی پس از دیگری در انتقاد از جنگ و رژیم یهود شدت گرفت. از جمله از سوی ایرلند، اسپانیا، فرانسه، بریتانیا، کانادا، بلژیک، مالت و هلند و دیگر کشورها، بسیاری از کشورها موضعی قاطع در برابر آنچه در نوار غزه از تجاوز مستند و نسل‌کشی سازمان‌یافته روی می‌دهد، اتخاذ کردند تا جایی که تهدید به توقف همکاری‌های تجاری کردند و هشدار دادند که در برابر این تجاوز درددخو که هر سبب و خشکی را در غزه بلعیده، دست روی دست نخواهند گذاشت. وزری خارجه کشورهای اتحادیه اروپا نیز به بررسی بازنگری در توافق‌نامه مشارکت با رژیم یهود پرداختند. کار به‌جایی رسید که فرانسه، بریتانیا و کانادا از رسمیت شناختن دولت فلسطین سخن گفتند تا مهار یهود در دست‌گیری و چوبی در چرخ تانک‌های خود قرار ندهند. چنان‌که در بیانیه مشترک مکتوب، سازمان برای کارنی آمده است: «ما مصمم به رسمیت شناختن دولت فلسطینی در چارچوب راه‌حل دو دولتی هستیم و آماده‌ایم با دیگران برای تحقق این هدف همکاری کنیم» و این در اشاره به اجلاس است که قرار است در ماه ژوئن در سازمان ملل برای یافتن اجماع بین‌المللی در این‌باره برگزار شود.

اروپایی‌ها به‌زودی اندک‌اندک از مواضع فرایزنده خود عقب‌نشینی کردند. پس از آن‌که آمریکا تازم اروپا را دوباره فعال کرد، به‌ویژه پس از آن‌که جناح‌های مقاومت در نوار غزه، پیشبند اخیر ویتنام برای تسلیم و تبادل اسرا را رد کردند. سفیر آمریکا در رژیم یهود، مایک هاگبلی، درباره موضع فرانسه مبنی بر تشکیل دولت فلسطین چنین اظهار داشت: «اگر فرانسه بر موضع خود اصرار دارد، بهتر است قطع‌های از زیورهای فرانسه را برای برپایی این دولت جدا کند.» پس فرانسه نیز اندک‌اندک از موضع خود عقب‌نشست و از شتاب خود کاست تا آنجا که رسانه‌های بریتانیا و خاورمیانه‌ای گزارش دادند که فرانسه به رژیم یهود اطلاع داده که در اجلاس سازمان ملل که قرار است میان ۱۷ تا ۲۰ ماه جاری در شهر نیویورک برگزار شود و ریاست آن را فرانسه و عربستان بر عهده‌دارند، دولت فلسطین را به رسمیت نخواهد شناخت. پیش‌تر، سخنان مکرون درباره احتمال به رسمیت شناختن دولت فلسطینی از سوی کشورش، خشم رژیم یهود را برانگیخت که در پاسخ، اعلام کرد که ۲۳ شهر جدید در کرانه باختری اشغالی ایجاد خواهد کرد و حتی تهدید به الحاق کرانه باختری نمود و اعلام کرد که هرگونه به‌رسمیت‌شناختن، «قطر روی گاند است و زمین ارتشی ندارد». همچنین پاریس به‌طور رسمی تأکید کرد که به‌صورت یکجانبه دولت فلسطین را به رسمیت نخواهد شناخت، درحالی‌که هیچ تضمینی درباره همراهی کشورهای چون بریتانیا، کانادا، ژرمنی، بلژیک، پرتغال و هلند در اتخاذ چنین گامی وجود ندارد.

ادامه: اداره جدید سوریه و عادی‌سازی روابط با رژیم یهود

یادیم جز به پایان دادن به وجود آن و رهایی امت از شرش رضایت ندیم. همشود و نه ملحق با آن بسته می‌شود، بلکه باید با آن برخورد خواهد شد؛ همان‌گونه که سازمان اعلام تیزر علیه ارتش فرایزنده اعلام فریاد، و قیقه دولت جدید سوریه آماده‌ان برای ایستادن جنگ با این رژیم است، نه عادی‌سازی روابط با آن و به‌معنای یکی از کشورهای خلیج، باید به یاری برادران نوار غزه بشناید، کسانی که بیش از یک سال و نیم است از امت یاری می‌طلبند. الله سبحانه و تعالی فرموده است: «فان استغفرکم فی الذنوب فیکفکم الغفر» و اگر در دین از شما یاری خواستد، بر ما مست کند بارپوشان کند. فداکاری‌های مردم‌شام در جریان انقلابی که چهارده سال ادامه داشته است و مردمانش علیه ستمگری جاینگار که آنان را سرکوب و شکنجه و مرتکب شکارهای دسته‌جمعی می‌شد، قیام کردند و سرانجام سربزگان شدند، نباید در مرزهای ملی متوقف شود و به عادی‌سازی با رژیم یهود ماضی نگردد. رژیم یهود که در چایت کمتر از رژیم سرگون‌شده پاریس است، این رژیم که بر سرزمین فلسطینی استگنی می‌کند و در حق مسلمانان فلسطین جنایت می‌کند، فداکاری‌های مردم‌شام در حق خون‌شیدا و فداکاری‌های مجاهدان

یک منبع رسمی در رژیم یهود روز چهارشنبه به روزنامه «اسرائیل هویوم» عبری گفت که این رژیم و ترکیه به تفاهاتی برای هماهنگی فعالیت‌های نظامی‌شان در سوریه، با هدف جلوگیری از برخورد نیروهای دو طرف، دست یافته‌اند. (روسیه لیون) اکنون کاملاً روشن است که نظام ترکیه اردوغان، واسطه و مجری طرح‌های آمریکا در منطقه، به‌ویژه در تعیین استراتژی و این نظام همان نظامی بود که انقلاب را وارد سلسله مذاکراتی کرد که در نهایت منجر به انحراف انقلاب از مسیر اصلی، سپس عقب‌نشینی و وضعیت فعلی‌اش در سال‌های اخیر شد؛ بدگونه‌ای که تصمیم انقلاب از تسلیم کرد و فرمان حرکتش را به دست رهبرانی نظامی به اصول و شعارهای اولیه خود پشت کردند. همکاری با رژیم یهود خیانت به الله سبحانه و تعالی، است و سپردن آن به اصول و شعارهای اولیه خود پشت کردند. درحالی‌که این رژیم جاینگار در حق مردم غزه و کرانه باختری جنایت می‌کند و لبنان و سوریه و یمن را مورد تجاوز قرار می‌دهد، می‌بیمیم که نظام ترکیه با آن توافق‌نامه‌های نظامی می‌بندد، این هم بر سرزمین‌های مجاهدان با خون خود آلود کرده‌اند تا بدین‌ترتیب شریک جنایات او علیه امت اسلامی باشد. این نظام‌های حاکم بر سرزمین‌های ما، نظام‌هایی وابسته به غرب کافر و استعمارگر هستند و رژیم یهود سابقه آن‌هاست و اگر اصل از میان برود سایه هم از میان می‌رود. این فرصتی است برای ارتش ترکیه و هم ارتش‌های مسلمانان از مرزهای سایکس-پیکو را درهم شکنند و به یاری مردم غزه بفریزند و بیت‌المقدس و دیگر سرزمین‌های اشغالی مسلمانان را از یهود آزاد کنند.

وقتی با ابتکارات سیاسی در درگاه دموکراسی گدایی می‌شود! استاد یاسین بن یحیی

می‌گیرند. توسط حاکمانی اجرا می‌شوند که کشور را گروگان قدرت‌های خارجی کرده‌اند. متنازعاً را به نبرد میان مزدوران سیاسی‌ای تبدیل می‌کنند که فقط به دنبال قیضه قدرت‌اند. در نهایت، هر ابتکاری که نظام حکومت یا دالت خارجی را نشانه نگیرد، شبیه درمان سرطان با آسپرین است. حکم هر چیزی مبتنی بر درک صحیح آن است: وقتی به مسئله‌ای به‌عنوان یک مسئله سیاسی نگریسته شود، حرکت برای آن نیز سیاسی خواهد بود و به ابتکارات سیاسی، دیپلماتیک و ارتباط با نظام‌های موجود محدود می‌شود؛ اما اگر یک مسئله، مانند مسئله فلسطین، به‌عنوان مسئله‌ای نظامی دیده شود، تمرکز و برنامه‌ریزی برای آن، اساساً نظامی خواهد بود. فارغ از ابعاد سیاسی. همچنین وقتی با نظام‌های سیاسی‌ای مواجه هستیم که مشروعیت خود را از دست داده‌اند و انقلاب‌ها در سراسر امت خواهان تغییر اساسی بوده‌اند، باید به پایه‌های این نظام‌ها و لزوم قطع رابطه با آن‌ها و بازخواست نماینده‌ها و مسئولان‌شان و تغییر بنیادینی که حذف کامل ساختارهای فکری، سیاسی و حقوقی آن‌ها را تضمین کند، توجه شود. خاصه می‌شود در: در ابتکارات سیاسی سطحی و روبنایی. قطع رابطه با نظام استعماری و نظام‌های وارداتی آن.

ارائه بدیلی اصیل که از هویت و عقیده امت برخاسته باشد.

رخ زیر سایه نظام‌های وضعی؛ امت در تونس و دیگر کشورهای اسلامی، پس از سقوط خلافت عثمانی، تحت تقسیمات ژئوپلیتیکی شدیدی شد که منجر به حاکمیت جبراًریز نظام‌های ساخت استعمار گردید. مسلمانان تحت آزمایش‌ها و اصول حکومتی گوناگونی قرار گرفتند که گاهی با تشویق و زمانی با زور و سرکوب همراه بود و تجربه همه انواع حکومت‌ها از سوسیالیسم تا سرمایه‌داری جز فلکت تا کامی و ویرانی کشور و فساد اخلاقی و وجدان چیزی به بار نیامورد و عمدتاً به اختلافات عمیق میان افراد امت واحد و منازعات و دشمنی‌های اجامید که اغلب با قتل و شکنجه و انتقام از مخالفان به پایان رسید. این محنه تلخ همیشه زیر نظر استعمارگر خارجی شد؛ او پشت پرده، منازعات سیاسی را اداره می‌کرد و حکومتی مناسب هر مرحله را می‌گمارد و هرگز از رمد حرکت امت در برابر وضع موجود غافل نبود، می‌داد اما دوباره به‌سوی بیادری و نگرش مبتنی بر عقیده اسلامی بازگرد.

اسلام به جنگ زدن به ریسمان الله سبحانه و تعالی دعوت می‌کند و هرگونه عامل نفرقه و پرانگیزی میان مسلمانان را حرام می‌داند و بر نیکوخواهی و رقیابت در نیکی و احسان و دعوت به نیکو تأکید می‌کند؛ امری که چارچوبی مستحکم برای تأسیس احزاب سیاسی فراهم می‌آورد تا در کارهای بزرگ و شریف رقیابت کنند، نه در امور پیش و تخریب و متهم کردن رقیبان به خطا که به کینه و سلطه دشمنان می‌انجامد.

آن وحی است از جانب الله سبحانه و تعالی که راه‌حل اساسی همه مشکلات انسان را در بر دارد و با راهکارهای واقعی برای همه ابعاد زندگی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ارائه شده است و مسلمانان و دیگران قرن‌ها زیر سایه آن در رفاه و عزت زیستند. آیا امروز درک می‌کنیم که راه‌حل مشکلات ما در احکام است؟ آیا در خیریه‌های این‌ها احکامی هستند که نحوه توزیع اموال، انواع مالکیت‌ها و شیوه حسابرایی در حاکم در صورت ظلم یا خطا را تنظیم می‌کنند؟

الله سبحانه و تعالی می‌فرماید: «وَتَرْتَأَىٰ أَلْيَتَ الْكُتَابِ تُبَیِّنَا لَكَ لَشَيْءٍ وَهَذِي وَرَحْمَةٌ مِنِّي لِلْمُؤْمِنِينَ» و ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که روشنگر هر چیزی باشد و هدایت و رحمت و مژده برای مسلمانان» پس اسلام هیچ امر کوچک را بزرگی را فرو نگذاشته، هیچ آنکه برایش حکم شرعی قرار داده است و هیچ مشکل انسانی وجود ندارد مگر این‌که برای آن راه‌حل صحیحی تعیین نموده است؛ اما با تأسف، این احکام از زندگی مسلمانان دور شد تا آن‌جا که رژیم یهودی کفر و جور، دنیا و آخرت خود را بیازند. امروز اما الحمدلله، دلیل و برهان روشن شده و حقیقت اسلام و برتری شریعت آن بر سایر نظام‌ها آشکار گشته است؛ در سایه پیشرفت ابزارهای پژوهش و وسایل معرفت وجود راهکارهای جزئی ارائه‌شده از سوی حزب‌التحریر، تغییر واقعی به یک ضرورت سیاسی فوری بدل شده که منتظر ارائه امت و عزم اهل قدرت و نفوذ است تا صفحه حکومت جبری را برای همیشه ببندد و مژده رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را به برپایی خلافت راشد بر منتهج نبوت که احکام اسلام را در همه ابعاد زندگی اجرا می‌کند، محقق سازد تا بدین وسیله، حاکمیت و عدالت در دنیا و رستگاری در آخرت تضمین گردد.

روزنامه ایندپندنت عربی در تاریخ ۱۵ مه ۲۰۲۵ مقاله‌ای از خبرنگار تونسسی، حمادی العمصری، با عنوان «تعلیق ۱۲ ابتکار سیاسی گروه مخالف تونس» منتشر کرد که همه آن‌ها بر بازگشت به مربع دموکراسی و مشارکت تأکید داشتند. اما حکومت از توقف مسیر ۲۵ ژوئیه ۲۰۲۱ امتناع می‌ورزد.

مهم‌ترین محتوای مقاله بر این محور بود که تونس از سال ۲۰۲۰ تاکنون بیش از ۱۲ ابتکار سیاسی را برای حل بن‌بست سیاسی و بحران‌های اقتصادی و اجتماعی تجربه کرده است؛ از جمله ابتکار گفت‌وگوی ملی اتحادیه عمومی کار تونس، اجلاس ملی مردمی نجات انتحاف محمود، ابتکارات سه‌گانه نجات سازمان‌های مدنی و «بگذم» از مورخ عادل اللطیفی. با وجود تنوع این ابتکارات در حمایت با مخالفت با روند پس از ۲۵ ژوئیه ۲۰۲۱، همه آن‌ها در جلب اعتماد مردم یا گردآوردن نیروهای سیاسی بر سر یک پروژه مشترک شکست خوردند؛ زیرا همان الگوهای گفت‌وگوی قبلی را تکرار کردند که هدفش تقسیم قدرت بود. نه اصلاح اساسی.

تبدیل‌گران و فعالان این تاکامی را به عوامل متعددی نسبت دادند: امتناع دولت از تعامل با ابتکارات، ناتوانی احزاب در بازنگری اشتباهات دهه گذشته (۲۰۱۱ تا ۲۰۲۱) که با فساد، تأمین مالی خارجی و منازعات حزبی محدود همراه بود. همچنین سیطنت احزاب و تعقیب رهبران‌شان و از دست رفتن اعتبار آن‌ها نزد مردم و تبدیل‌شدن به نهادهای منتقش و ناتوان از انتقاد از خود، باعث شد ابتکارات آن‌ها فقط ابزاری بی‌اثر برای اجرا باشد؛ به‌ویژه در شرایطی که شبکه‌های اجتماعی قدرت تأثیرگذاری بیشتری نسبت به احزاب سنتی دارند.

وقتی امت در برابر غرب از نظر نظامی شکست خورد، تحت تأثیر عقیده «تقلید مغلوب از غالب» قرار گرفت و فرآورده‌های اندیشه سیاسی غربی بر این در طریق تربیت نخبگان وابسته پذیرفت و بدین‌ترتیب طبقه سیاسی‌ای شکل گرفت که از امت و فرهنگش جدا شد و فلسفه‌های غربی را که با فرهنگ امت در تعارض است، پذیرفت؛ از جمله: «جدایی دین از دولت (برآمده از نزاع غرب با کلیسا)

فلسفه سازش و راجل میانه (بین حکومت مستقیم مردم و سلطنت مطلقه) همسویی نخبگان سیاسی با الگوی غربی این نخبگان را در موارد زیر پی گرفتند: ۱- پذیرش نظریه‌های سیاسی غربی برای حل مسائل اجلاس‌ها و ابتکارات. ۲- محدود کردن عملکرد خود به چارچوب‌های دموکراتیک، به‌ویژه ایده حاکمیت جمعی از طریق: «مجلس‌ها (قدرت قانون‌گذاری)» «میت‌وزیران (قدرت اجرایی)» «تأسیس احزاب بر اساس دموکراسی» ۳- پذیرش ایده سازمان‌های جامعه مدنی با بخش سوم به‌عنوان پلی میان دولت و جامعه و ابزار برای نفوذ سیاسی از طریق تأمین مالی ریشه‌های بحران تاریخی؛

انتخابات‌های امت در طول تاریخ در واکنش به ظلم شکل گرفت و قیام‌های قرن بیستم و قرن بیست و یکم، مانند بهار عربی، پاسخی دردمی به موارد زیر بود: ۱- سرنگونی خلافت عثمانی و تجزیه سرزمین‌های مسلمانان. ۲- تمهیل نظام‌های سکولار سرمایه‌داری به‌جای شریعت اسلام. ۳- بازی استعمارگران و هم‌پیامان‌شان با شعارهای دروغین (ملی‌گرایی، قوم‌گرایی، سوسیالیسم، دموکراسی).

انتخابات‌های بهار عربی، به‌ویژه در مدل تونس، با طرح ایده چندگانگی سیاسی به‌عنوان راه‌حل ایده‌آل برای بر کردن خا قدرت، درحالی‌که نظام سرمایه‌داری باقی بماند، روده شد؛ بدگونه‌ای که پذیرش آن، واکنشی طبیعی به بی‌کفایتی پیشین بود و این مدل، جایگزین حکومت استبدادی یکجانبه شد. این دام به‌راحتی به احزاب و نیروهای سیاسی‌ای که فاقد بدیل تمدنی و اصولی بودند و برای سرنگونی دیکتاتورهای حاکم و تصاحب قدرت تلاش می‌کردند، داده شد. هدف گرفتن احزاب سیاسی به‌طور خاص، به‌عنوان ستون اصلی فعالیت سیاسی و ابزار پیوند میان حاکمیت و توده‌های مردم و همچنین وارث طبیعی و رقیب تاریخی رهبران دیکتاتور بود و از این منظر، چندگانگی سیاسی به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی برای دور زدن و بی‌اثر سازی این انتخاب‌ها قرار گرفت تا در مرحله‌ای بعدی شکست بخوردن و خوشنشان میان احزاب تقسیم شود.

نقد پرده ابتکارات سیاسی؛ ابتکارات سیاسی در حقیقت، مسکن‌های فریبده‌ای هستند که از درمان اساسی بحران حکومتی بازمی‌دارند و مشکل را پیچیده‌تر می‌کنند؛ زیرا: ۰۱- نظام شکست‌خورده دموکراتیک سرچشمه

آخرین تحولات درگیری نظامی در سودان

استاد احمد معاز

در حالی که ارتش سودان پس از اعلام آزادی خارطوم، ایالت الجزیره، سنار، النیل الابيض و ولايات شمالي و شرقي، این مناطق را بازپس گرفته، نیروهای «واکنش سریع» همچنان کنترل چهار ایالت در منطقه دارفور (دارفور غربی، مرکزی، جنوبی و شرقی) را در اختیار دارند. تنها شهری که باقی مانده، «الفشیر» است که در آن نیروهای مشترک پناه گرفته‌اند. اگر این شهر نیز که ماه‌هاست در محاصره این مهم قرار دارد سقوط کند — که آخرین شهر مهم در دارفور تحت کنترل ارتش است نیروهای پشتیبانی سریع ضربه‌های سنگین به جنبش‌های مسلح دارفور و گروه‌های «آزادی سودان» و «جنبش عدالت و برابری»، وارد خواهند کرد. این جنبش‌ها مصمم هستند از الفاشر دفاع کنند، زیرا دیگر تکیه‌گاهی در دارفور برای آن‌ها نمانده و در صورت بیرون رانده شدن، این گروه‌ها از بین خواهند رفت. جنبش‌های دارفور که طرفدار اروپا هستند، آگاهند که نیروهای واکنش سریع در تلاش‌اند تا کنترل کامل دارفور را به دست بیاورند و از آنجا پایگاهی برای مخالفت سیاسی و مسلحانه ایجاد کنند تا اگر منافع آمریکا اقتضا کند که جادایی دیگری پس از جنوب سودان رخ دهد، این جادایی را در دارفور عملی سازند. نیروهای پشتیبانی سریع به به‌ظاهر وابستگی‌شان به آمریکا شناخته شده‌اند، در حال آماده‌سازی زمینه‌ها برای این جادایی هستند.

این نیروها برای حفظ نفوذ خود در دارفور پس از آنکه در مارس ۲۰۲۵ کنترل بر ایالت الجزیره و خارطوم را از دست دادند، حملاتی طوانی‌مدت با پیپاد به شهرهایی در شرق سودان که تحت کنترل ارتش است آغاز کردند، به‌ویژه تاسیسات راهبردی شهر بندری «پورتسودان» تا ارتش را وادار کرد تا تمرکز بر الفاشر سمت بکشد و برای دفاع از پورتسودان به سمت شرق برود.

نیروهای واکنش سریع همچنین به عملیات نظامی در منطقه کردفان که بین مناطق تحت کنترل ارتش و دارفور قرار دارد، ادامه دادند. تمرکز آن‌ها بر شهرهایی مانند «التبود»، «الغوی»، «الدیبیات» و «کازیل» بوده و حملات متوالی به شهر «الابيض» (پایتخت کردفان شمالی) انجام داده‌اند.

در همین راستا، حمیدتی خطاب به ارتش گفت: «اگر بخواهید از الابيض به‌عنوان پایگاهی برای حمله به دارفور و کردفان استفاده کنید، ما بسیار غمناک خواهیم آمد». وی همچنین از ساکنان الابيض خواست در خانه بمانند، مغازه‌ها را ببندند و به مراکز نظامی نزدیک شوند (الجزیره، ۳ ژوئن ۲۰۲۵).

ارتش سودان نیز در پیاده‌یاری در ۶ ژوئن ۲۰۲۵ اعلام کرد که نیروهای واکنش سریع، بازار بزرگ، منطقه صنعتی و سایر تاسیسات شهر الابيض را با پیپاد هدف قرار دادند و پنج غیرنظامی را کشتند (خبرگزاری آنا تولی). به گفته منابع، نیروهای واکنش سریع فرماندهان ارتش میدانی و تعداد زیادی از نیروها را از دارفور به جبهه‌های جنگ در غرب و شمال کردفان اعزام کرده‌اند تا از بازپس‌گیری مناطق مهمی که ارتش اخیراً از دست داده جلوگیری کنند. ارتش در هفته‌های اخیر مناطق «الدیبیات» و «الحمادی» و «الغوی» در جنوب شهر را از دست داد. در کردفان شمالی نیز پیاده‌یاری نیروهای پشتیبانی سریع مناطق شمالی و غربی شهر الابيض از جمله ورزشگاه شهر را بمباران کردند (انیدپدنت عربی، ۶

جدل گسترده در کویت درباره «هویت ملی»

مهندس شفیق خمیس - ولایت یمین

در کویت، مدتی است که موضوع سلب «هویت ملی» (تابعیت) از ده‌ها هزار نفر از ساکنان کشور، به دلایل مختلفی که از سوی مقامات رسمی اعلام شده، در حال پیگیری و بحث گسترده است. این مسئله تا حدی شبیه به آن چیزی است که با عنوان «مسئله الیون» شناخته می‌شود و بیش از صد هزار نفر از ساکنان کشور از تبعات آن رنج می‌برند. در اینجا هدف ما ورود به جزئیات حقوقی، قانونی یا تاریخی این مشکلات نیست، بلکه قصد داریم خواننده را به‌سوی گویایی از زندگی رهنمون شویم که در آن، نهادها چنین مشکلاتی وجود ندارد، بلکه اساسا علل و انگیزه‌های چنین بحران‌هایی نیز یافت نمی‌شود و منظور از آن، زندگی در چارچوب نظام اسلامی رانده است.

کلید اصلی این موضوع، در بُعد فکری و فقهی، در احکام شرعی مربوط به تعیین تابعیت و مبنای حقوق و وظایف شهروندان دولت، نهفته است. این بخش از اندیشه سیاسی اسلامی از اهمیت بالایی برخوردار است، اما به‌ندرت به‌صورت تفصیلی و کاربردی مطرح می‌شود؛ چراکه اندیشه فاسد «وطن‌گرایی» و مفاهیم خودمورانه و فاسدی که بر آن بنا شده‌اند، بر تفکر عمومی چیره شده‌اند.

بر آغاز باید گفت: هر س که سرزمین اسلام را وطن خود قرار دهد، تابعیت اسلامی به او تعلق می‌گیرد. در مسلمان باشد و چه غیرمسلمان. از نظر شرعی، «دارالاسلام» به سرزمینی اطلاق می‌شود که در آن حکومت اسلامی برقرار است، احکام اسلام بر آن حاکم است و امنیت داخلی و خارجی‌اش تحت پوشش امنیت اسلامی قرار دارد.

بر این اساس، اسلام تمام کسانی را که تابعیت اسلامی دارند، مشمول حکم و مزایای دولت اسلام و آنها را تابع مسئولیت‌های شرعی می‌داند؛ اما کسی که خارج از دولت اسلامی زندگی می‌کند چه مسلمان و چه غیرمسلمان از تابعیت دولت برخوردار نیست و بنابراین از حقوق شهروندی محروم است. در حدیثی از سلیمان بن بکر آمده است: «رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هرگاه امیری را بر لشکری یا گروهی تعیین می‌کرد، او را به‌طور خاص به تقوای الله سبحانه‌وتعالی و سفارش به همراهانش از مسلمانان و به خیر سفارش می‌فرمود، سپس می‌گفت: ... چون با دشمن خود از مشرکان روبه‌رو شوی، آنان را به هر خصلت یا سه ویژگی دعوت کن: هر کدام که بر پذیرفتند، از آنان بپذیر و از جنگ با آنان دست بردار، سپس آنان را به اسلام دعوت کن، اگر پذیرفتند از آنان بپذیر و از جنگ با آنان خودداری کن، سپس آنان را به هجرت از سرزمین‌شان به سرزمین مهاجران دعوت کن. همان قوفی را دارند که مهاجران دارند و همان وظایفی بر عهده آنان است که بر عهده مهاجران است، اما اگر از هجرت سر باز زدند، به آنان اطلاع بده که همانند اعراب مسلمان خواهند بود و تمام الله سبحانه‌وتعالی که بر مومنان جاری است، بر آنان نیز جاری می‌شود، اما در غنیمت های، نصیبی نخواهد داشت، مگر آنکه با مسلمانان جهاد کنند». این حدیث به‌روشنی بیان می‌کند و کسی حتی اگر کسی مسلمان باشد، اما به دارالاسلام نیوندد، حق تابعیت اسلامی ندارد؛ بنابراین، احکام شامل حال کسی است که در دارالاسلام مقیم است، حتی اگر غیرمسلمان (ذمی) باشد.

همه کسانی که تابعیت اسلامی دارند از حقوق و وظایف شرعی برخوردارند و جایز نیست دولت هیچ‌گونه تبعیضی میان افراد رعیت در امور حکومت یا قضاوت یا رسیدگی به امور یا امثال آن داشته باشد، بلکه باید به همه به یک چشم نگاه کرد، بدون توجه به نژاد یا دین یا رنگ یا غیره؛ زیرا

در ۲۵ مه ۲۰۲۵، در قاهره نشستی با عنوان «گردهمایی رهبران سیاست‌گذاری میان مصر و ایالات‌متحده» برگزار شد؛ با حضور نخست‌وزیر مصر مصطفی مدبولی، سفیر آمریکا غارخ و نمایندگان از بیش از ۶۰ شرکت آمریکایی، به‌علاوه وزرای مصری حوزه‌های کلیدی و اقتصادی. این نشست به عنوان یک فرصت راهبردی برای تقویت همکاری مصر و آمریکا معرفی شد و با بیانیه رسمی همراه بود که از بخش خصوصی آمریکا و نقش آن در توسعه مصر» تعجیب می‌کرد و وعده‌ها و تسهیلات گسترده‌ای برای سرمایه‌گذاری خارجی ارائه شد.

تعلیق، حقیقت روشن و انکارناپذیری که نباید پشت غبارهای دیپلماتیک پنهان شود، این است که این نشست، نشانه همکاری برابر دو طرف نیست، بلکه بیانگر واقعیت وابستگی سیاسی و اقتصادی تحقیرآمیز است که وابستگی مصر به قدرت‌های استعماری اروپا و آمریکا را تثبیت می‌کند و زمینه را برای دهه‌ها استعمار تازه از ثروت‌های امت، محدود کردن اراده مستقل کشور و خفه کردن ظرفیت‌های پیشرفت واقعی فراهم می‌سازد. بر مسلمانان واجب است این مسیر را رد کنند و بداند که راهی نه از دروازه‌های کاخ سفید، بلکه از طریق باکشتی به اسلام و حاکمیت آن در سیاست و اقتصاد، در سایه خلافت راشده بر منبج نبوت به دست می‌آید؛ خلافتی که امت را به جایگاه خود بازمی‌گرداند، استعمارگر را از سرزمینش بیرون می‌کند و عدالت واقعی را برقرار می‌سازد.

همکاری نظام مصر با آمریکا، وابستگی و گروگان‌گیری در برابر استعمارگر است!

بذریش ایران برای نداشتن سلاح هسته‌ای، خیانت به امت و توطئه علیه آن با همکاری دشمنان است

ایران توسط رئیس‌جمهور خود مسعود پزشکیان و وزیر امور خارجه‌اش عباس عراقچی، بار دیگر مخالفت خود با دستیابی به سلاح هسته‌ای را اعلام کرد؛ این اظهارات در زمانی مطرح می‌شود که ایران در حال مذاکره با آمریکا برای رسیدن به توافق درباره پرونده هسته‌ای خود است.

تعلیق، حقیقت روشن و انکارناپذیری که نباید پشت غبارهای دیپلماتیک پنهان شود، این است که این نشست، نشانه همکاری برابر دو طرف نیست، بلکه بیانگر واقعیت وابستگی سیاسی و اقتصادی تحقیرآمیز است که وابستگی مصر به قدرت‌های استعماری اروپا و آمریکا را تثبیت می‌کند و زمینه را برای دهه‌ها استعمار تازه از ثروت‌های امت، محدود کردن اراده مستقل کشور و خفه کردن ظرفیت‌های پیشرفت واقعی فراهم می‌سازد. بر مسلمانان واجب است این مسیر را رد کنند و بداند که راهی نه از دروازه‌های کاخ سفید، بلکه از طریق باکشتی به اسلام و حاکمیت آن در سیاست و اقتصاد، در سایه خلافت راشده بر منبج نبوت به دست می‌آید؛ خلافتی که امت را به جایگاه خود بازمی‌گرداند، استعمارگر را از سرزمینش بیرون می‌کند و عدالت واقعی را برقرار می‌سازد.

حقوق بین‌الملل، قانون جنگل است و جایز نیست به آن تمسک شود



با حمایت هماهنگ‌کننده امور انسان‌دوستانه کمیته بین‌المللی ملیب سرخ در یمین، دانیال کافولی، کمیته بین‌المللی ملیب سرخ در منعا در روزهای سمنشینه و وزارتت ۲۰ و ۲۱ مه ۲۰۲۵، با همکاری وزارت اطاع‌رسانی و وزارت امور خارجه، دوره آموزش‌های را در وزارت امور خارجه برای kadreهای نهادهای رسانه‌ای و مطبوعاتی برگزار کرد، پیرامون: مبنای و اهداف حقوق بین‌الملل، اصطلاحات خاص حقوق بین‌الملل بشردوستانه، به‌ویژه آنچه مربوط به حقوق بشر در زمینه حمایت و زندگی شایسته، منع خشونت، پاسخ به نیازهای اقشار آسیب‌پذیر، گروه‌های مشمول حمایت و حمایت از غیرنظامیان در برابر آثار مخاصمات و منع وارد آوردن خسارت یا درد و رنج اضافی و غیرمعموری است.

در این خصوص، بیانیه‌ای مطبوعاتی از سوی دفتر رسانه‌ای حزب‌التحریر در ولایت یمین صادر شد که تأکید کرد: حقوق بین‌الملل، در همه مراعاتش (۱۹۴۸، ۱۹۴۹)، بر دشمنی با اسلام و مسلمانان بنیان نهاده شده است، بنابراین هیچ‌یک از اندیشه‌های آن جایز نیست در سرزمین‌های مسلمانان اجرا شود، یا ترویج و تبلیغ گردد؛ چرا که با عقیده اسلامی در تضاد است و همه راحل‌هایی که اراده می‌کنند، با نگاه اسلام به مسائل زندگی سازگار است.

بیانیه با احنی انتقادی پرسید: مگر دو جنگ جهانی اول و دوم، در سایه همین حقوق بین‌الملل رخ نداد؟ مگر جنگ میان مسلمانان یمین به مدت ۱۱ سال، با نظارت سازمان ملل و ذیل فصل هفتم و به پناهه حفظ صلح جهانی انجام نشد؟ مگر کشتار در غزه، نزدیک به دو سال با همین حقوق بین‌الملل رخ نداد؟

همچنین این است: روابط بین دولت‌ها در اسلام بر مبنای تقصیت‌هاست، نه بر اساس حقوق بین‌الملل و تعامل بین دولت‌ها بر اساس مساوات و همبستگی است؛ نه آنکه دو دسته عضو در شورای امنیت باشند؛ برخی اعضای دائم که حق وتو دارند و برخی دیگر که چنین حقی ندارند!